



هنگامه ظهور

محمد جعفر جوشن

دوران ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) دورانی است که خداوند متعال مردم را به تجلی همه جانبه خود در زمین به تماشا می نشاند و زیبایی دین در آن دوران به منظر مردم گذاشته می شود اما سوالی در این میان وجود دارد آن اینکه چگونه مردم جهان در هنگام طلوع ظهور، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) را بپذیرا بوده و دین سعادت بخش اسلام را برمی تابند؟ آیا ایشان با ایجاد رعب و وحشت یا بازور شمشیر، دین را به مردم غیرمسلمان تحمیل می نمایند یا مردم خود با آغوش باز از ایشان استقبال می نمایند؟ در بعضی روایات رسیده از ناحیه امامان معصوم (علوات الله علیهم اجمعین) به این مساله پرداخته شده که مابااستنادیه معتبرترین احادیث موجود به بررسی این رویداد خواهیم پرداخت؛ امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) از کنار خانه کعبه ظهور خواهند فرمود و خود را معرفی نموده به گونه ای که تمام جهانیان متوجه خواهند شد در این هنگام یاران ویژه ایشان که ۳۱۳ نفر مرد و ۵۰ نفر نیز زن هستند بدون قرار قبلی همگی در مکه گرد هم می آیند (۱) همچنین ۱۰ هزار نفر از یاران خاص حضرت نیز همزمان به ایشان ملحق شده (۲) سپاه حضرت جهت زمینه سازی جهان برای پذیرش یک حکومت جهانی تشکیل می شود ایشان در ابتدا هیات حاکمه شهر مکه را سرورسامان بخشیده، فرمانده ای عدالت گستر را برای ریاست بر شهر مکه می گمارند سپس با سپاه خویش به سمت مدینه رفته و به وضع حکومت در آنجا نیز سرورسامان خواهند داد سپس به سمت مناطقی از ایران آمده از آنجا به بصره و سپس به کوفه عزیمت می نمایند، کوفه به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، نظامی و همچنین معنوی پایتخت حکومت ایشان قرار خواهد گرفت (۳) سپس امام با سپاه خویش راهی دمشق پایتخت کشور سوریه می شوند در این هنگام حضرت عیسی (علی نبینا واله وعلیه السلام) به اذن خداوند متعال ظهور فرموده و ...

ادامه در صفحه ۲



نسیم حضور

مراسم هفتگی هیأت فاطمیون

چهارشنبه شبها

بعد از نماز مغرب و عشاء - مسجد امام حسن مجتبی (ع)

ای که مرا خوانده ای
راستش بگو



این مراسم به رسم یادبود هدیه ای از جانب کانون به خانواده ی این شهید بزرگوار تقدیم گردید .

حضور در جمع خانواده ی شهید علی بازیار علاوه بر قرائت زیارت عاشورا ، به استماع خاطرات بازماندگان آن شهید بزرگوار پرداختند و در محضر آن شهید بزرگوار به فیض تمام رسیدند . در انتهای

واحد تفحص سیره ی شهدای کانون فرهنگی پیامبر اعظم (ص) در راستای زنده نگه داشتن یاد شهدا و ارج نهادن به مقام خانواده ی آن عزیزان ، در ادامه ی سلسله نشست های لاله پژوهی ، با

ادامه از صفحه اول

هنگامه ظهور

محمد جعفر جوشن

... نماز خود را به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) اقتدا می نمایند و در واقع به امام اظهار ایمان می نمایند سپس امام به سمت بیت المقدس حرکت کرده با گروهی از دشمنان خود در آنجا به مبارزه پرداخته و آنان را به عدالت می سپارند؛ این مسیر در مدت زمان ۸ ماه طی می شود و در این مدت امام مردم را به ایمان و عدل و صلح و برادری دعوت نموده مردم را از شرستکاران می رهاند (۴) چراکه ایشان از ظالمان و متکبران نمی هراسند و با آنان به شدت مقابله خواهند کرد (۵) اما نکته حایز اهمیت این که امام در این مدت چند ماهه آن قدر زیبا عمل می نمایند که حتی در مقابله با دشمنان خویش با وجود در اختیار داشتن پیشرفته ترین سلاح های روز، با سلاح خودشان با آنان می جنگند و عدالت ورزی و مهرورزی امام است که مردم جهان راشیفته خود کرده ، مردم به ایشان ایمان می آورند (۶) و حتی حمایت مردمی از ایشان به گونه ای گسترده شکل می گیرد که کانونهای قدرت استکباری در شرق و غرب عالم خصوصا سفیانی (که قبل از ظهور علم مبارزه با شیعیان رابلند کرده است) با حمایت مردم سقوط می کنند (۷) مسیحیان عالم خصوصا بانزول حضرت عیسی (علی نبینا و اله و علیه السلام) و اعلام اسلام خویش مسلمان شده و ایمان می آورند (۸) پس در جریان ظهور، امام بافتح قلب های مردم حکومت خود را با حمایت تمام مردم جهان شکل خواهد داد و بر هیچ کس ستمی روا نشده فقط مستکبران عالم هستند که به علت اینکه وجودشان مانع از تحقق عدالت جهانی است، امام چاره ای جز نابودی آنان نمی بیند؛ بدین ترتیب حکومت زیبای صالحان بانابودی اسطوره های ظلم در زمین پاکرفته وعده خداوند متعال محقق خواهد شد؛ ونرید ان من علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین (۹) باشد که خداوند متعال به برکت آن وجود نازنین ما را از سپاهیان آن حضرت قرارداد ما نیز آن روزهای طلایی تاریخ بشریت را به نظاره بنشینیم؛ فانتظروا انی معکم من المنتظرین (۱۰)

پاورقی:

- (۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳
- (۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷
- (۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴
- (۴) اشاره الاسلام، ص ۲۳۹ و ۲۶۱
- (۵) الغیبه (نعمانی)، ص ۲۳۳
- (۶) (۷) و (۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳
- (۹) سوره قصص آیه ۵
- (۱۰) سوره یونس آیه ۱۰۲



ژوهرینه سازی ظهور چگونه است و چه باید کرد؟

وظیفه ی منتظر

محمد هاشم توفیقی

حضرت بیان گردیده است ، باشد چرا که این علایم غیر حتمی است و ممکن است رخ بدهند یا واقع نشوند . دعای الهی عظم البلاء... را که می خوانیم به این جمله ها می رسمیم : « خدایا امام زمان ما را بفرست » کی ؟ در ماه مبارک رمضان ؟ پس از صیحه ی آسمانی ؟ خیر « کلمح البصر او هو اقرب » . در یک چشم بر هم زدن یا کمتر از این زمان . لمح در لغت عرب به معنای اشاره می باشد ، اشاره ی چشم - با پلک زدن یا بی پلک زدن - چه اندازه زمان لازم دارد ؟ انسان در چنین انتظاری باید باشد نه یک بار در طول سال ونه یک بار در هفته و نه حتی در روز بلکه لحظه به لحظه .

۲. انتظار در حالت بریدگی از عالم طبیعت و دنیا

در نماز مساله ای فقهی داریم به نام تجافی ، بدین صورت که اگر انسان به رکعت دوم امام جماعت رسید - پیش از رکوع یا هنگام رکوع - به امام جماعت اقتدا می کند و هنگامی که امام جماعت پس از رکعت دوم برای تشهد نشست ، وظیفه ی نمازگزار این است که نیم خیز بنشیند و پس از اتمام تشهد امام جماعت با او برخیزد . عرب از این حالت تجافی « یاد می کند که به معنای خالی کردن بدن از زمین » است . چرا انسان چنین حالتی را در نماز به خود می گیرد ؟ برای این که آماده ی آماده باشد تا همین که امام جماعت بای بجزول الله ... را گفت ، او به سمت بالا پرواز کند و تند و سریع از زمین برخیزد . به این می گویند حالت انتظار . ماموم ، انتظار دارد که تشهد امام جماعت به سر آید تا خیلی سریع از زمین بلند شود چون فعلا ماموم کاری با زمین ندارد ، تشهدی بدهکار نیست تا بر زمین بنشیند ؛ انسان منتظر یک حالت تجافی و بریدگی از این عالم طبیعت و دنیا دارد ، یعنی در دنیا به صورت نیم خیز نشسته است ، همین

در گوشه ای دیگر ، اتناق هم خیلی کثیف است ! لطفا آن بدهید جارو بزنیم بعد تشریف فرما شوید ؟

انسان از مهمان خجالت می کشد ؛ یک گوشه ی دل ، محبت دنیا و گوشه ای دیگر گناهان و ... و بعد هم ناله بزنیم « بیا بیا که سوختن ز هجر روی ماه تو » ؟ چگونه ادعا می کنی در حالی که اگر این گونه بود آماده و مهیای ظهور بودی ؟

آینه شو جمال پری طلعتان طلب / جاروب زن به خانه سپس میهمان طلب دل را باید آینه کنیم . سنگ ، عکس رخ یار را نشان نمی دهد . اگر شما هزار سال هم به سنگ نگاه کنید قیافه و چهره ی شما را نشان نمی دهد ، ابتدا باید دل را آینه کنیم و سپس آینه را صیقل دهیم تا زنگار از آن برود و گرد و غبار نداشته باشد . آینه ی گرد و غبار گرفته هم چیزی را نشان نمی دهد . حتی می گویند : « آینه تاب آه ندارد » یعنی اگر شما در برابر آینه یک آه هم بکشید باز دمتان آینه را تیره و تار می کند و آینه رو می گیرد یعنی تحمل یک آه را هم ندارد . چگونه با هزاران گناه و آلودگی باز هم می خواهیم آینه ی دلم ، امام زمان را نشان بدهد ؟ یک ویژگی دیگر آینه این است که باید در مقابل چیزی باشد که قرار است تصویر آن در آینه بیفتد اگر آینه را پشت به چیزی بگیریم ، تصویری در آن نمی افتد در روایات هم از قلب وارونه و پشت کرده سخن به میان آمده و آن را به « قلب منکوس » تعبیر فرموده اند . قلب انسان باید هم پاک و پاکیزه باشد و هم به سمت چهارده معصوم (ع) باشد تا کمالات و صفات آنان در دل انسان جا بگیرد خانه دلت را جارو کن ، آن وقت بگو : آقا امام زمان (عج) تشریف بیاورید .

البته اگر ما کمی خود را بسازیم و آماده کنیم ، آن وقت از امام زمان (عج) دعوت هم نکنیم خود آن حضرت می آیند اصلا خانه برای اوست که ماغصب کرده ایم .

این سه مورد از وظایف هر شخص منتظر بود اما از امور دیگری که به عنوان وظیفه ی ما شیعیان و منتظران نسبت به امام زمان (عج) است می توان به این مسایل اشاره کرد :

۱. دعا برای سلامتی آقا امام زمان (عج)
۲. دعا برای تعجیل در فرج آن حضرت
۳. صدقه دادن و انجام اعمال صالح به نیت هدیه به حضرتش و جهت سلامتی وجود نازنینش
۴. رفتن به اماکن منسوب به ایشان از قبیل مسجد جمکران و سهله و ...
۵. خواندن دعای ندبه و زیارت آل یاسین و ادعیه ی وارد شده
- ۶ اصلاح اعتقادات در مورد دین و مسایل مهدویت از قبیل عجله نکردن در ظهور و وقت مشخص نکردن برای ظهور و ...

* با استفاده از کتاب « آماده باش یاران امام زمان (عج) »

شروع دوره ی مقدماتی آموزش مداحی در کانون فرهنگی پیامبر اعظم (ص)



خوانی ، اخلاق ، صداسازی در سطح مقدماتی و مقتل شناسی ، نغمه های موسیقایی و ادبیات آیینی در سطح تکمیلی اشاره نمود .

واحد آموزش کانون فرهنگی پیامبر اعظم (ص) با همکاری واحد مراسمات کانون و به منظور تقویت توانایی های مداحان هیات فاطمیون و آرایه ی آموزش به دوستداران اهل بیت و مداحان جوان اقدام به برنامه ریزی و اجرای آموزش مداحی در دو سطح مقدماتی و تکمیلی با مواد آموزشی مورد نیاز نموده است. که از جمله مواد برنامه ریزی شده می توان به کلاس های روان

سال اول / شماره دوم / ویژه نامه مهدویت

صفحه ۳

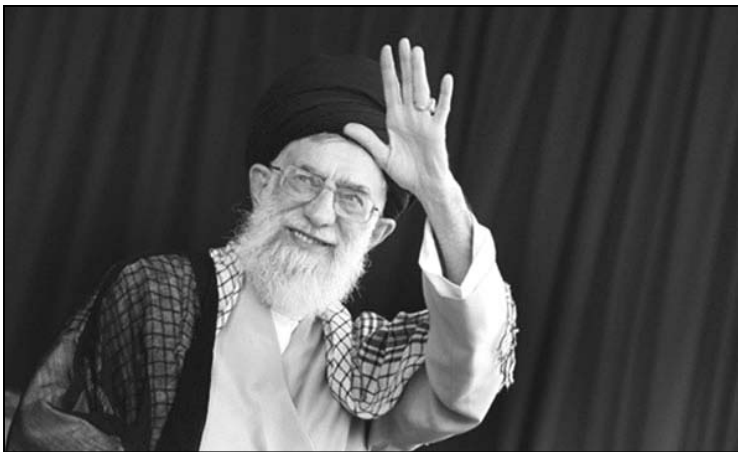
احساس ضعف می کنند. ملت فلسطین دهها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس می کرد نمی تواند. آن روزی که فکر توانستن در ملت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام این همه موفقیت را به دست آورده است. رنج می برد، اما دارد پیش می رود.

فرق است بین ملتیی که حرکتی نمی کند، سبلی هم نمی خورد، اما روزبه روز عقب می نشیند؛ روزبه روز بدبخت تر و زبردست تر می شود، دلش هم خوش است که من سبلی نمی خورم، با آن ملتیی که سختی راه را تحمل می کند، پایش به سنگ می خورد، خونی هم می شود، اما در راه به سمت موفقیت، به سمت سرمنزل سعادت، به سمت عزت، پیش می رود. ملت فلسطین امید پیدا کرد، حالا حرکت می کند و جلو می رود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث می شود که درهای فرج به روی آن ها باز باشد و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا این شاء الله به هدف نهایشان برسند. احساس ضعف برای یک ملت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می کند؛ احساس قوت قلب می کند؛ احساس قدرت می کند و ملت ما بحمدالله این گونه است.

ما در جبهه های جنگ هم جوان های خودمان را می دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظیر لطف ولی عصر ارواحنفاذ اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می کردند و توانایی مضاعف پیدا می کردند و پیش می رفتند. البته اعتقاد به کمک غیبی و پیش منیشت این است که انسان بی کار بماند؛ درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ...» کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش های سیاسی و در ایستادگی ملت هاست که به سراغ انسان می آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.

امروز دنیای استکبار روی نقاط قوت ملت ها متمرکز شده، تا آن ها را از بین ببرد. البته یک جاهایی موفق می شوند، یک جاهایی هم موفق نمی شوند. از جمله ی جاهایی که به حول و قوه ی الهی موفق نشدند و موفق نخواهند شد، ملت ایران است. [...] اتکاء به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رؤفانه و پدرانیه حضرت بقیه الله ارواحنفاذ به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت می کند. نمی توانند ملت ایران را شکست بدهند. به توفیق الهی، مسؤولان کشور، دولت مردان مؤمن و صبوره، با پی گیری و تلاش باید بتوانند یکی پس از دیگری مشکلات این ملت را حل کنند؛ باید بتوانند سطح علمی و عملی این کشور در آن چنان بالا ببرند که به کلی طمع دشمنان از این ملت و از این کشور قطع بشود.

دیدار با ائمه مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۴/۶/۲۹



نگاشتی پیرامون فرهنگ انتظار از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)

هر بن بستی گشودنی است

این که مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمان ما - تلاششان این است که بر اداره ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند و میدان را رها نمی کنند که دیگران بیابند و برای آن ها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمی دهند که امتداد خواست های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آن ها را معین بکند، امام زمان را خوشحال می کنند. امام زمان ناظر است و می بیند. انتخابات شما را امام زمان دید. اعتکاف شما را امام زمان دید. تلاش شما جوان ها را برای آذین بندی نیمه ی شعبان، امام زمان دید. حضور شما زن و مرد را در میدان های گوناگون، امام زمان دیده است و می بیند. حرکت دولت مردان ما را در میدان های مختلف، امام زمان می بیند و امام زمان از هر آن چه که نشانه ی مسلمانی و نشانه ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می زند، خرسند می شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می کنیم. ببینید چه عامل بزرگی است.

اگر بایستید

نکته ی دیگر و سخن آخر این است که جامعه ای که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می کند. این قوت قلب برای ملت ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت ها را خالی کردند؛ آن ها احساس ضعف کردند؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد این ها آمدند و با قدرت بر آن ها مسلط شدند. امروز هم همین جور است. ما در روابط سیاسی و دیپلماسی دنیا داریم جلوی چشممان می بینیم که یکی از بزرگ ترین شرکده های استکبار جهانی این است که می خواهد دل مسؤولان کشورهای گوناگون را - حالا در کشورهای اسلامی - خالی کند و احساس بی پشتوانگی به آن ها تزریق کند، تا آن ها احساس کنند که چاره ای ندارند جز این که زیر بار مثلاً آمریکا بروند. این احساس ضعف، بلا ی بزرگی است. ملت ها حرکت نمی کنند؛ چون

اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه ی زمینه ها. این در واقع تفسیر این آیات کریمه ی قرآنی است که «و تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُم الْاُورَئِیْنَ» «یا» «اِنَّ الْاَرْضَ لَهٗ یُورَثُهَا مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ.» یعنی هیچ وقت ملت ها و امت ها نباید از گشایش مأیوس شوند.

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت می کند. این نور امید است که جوان ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می کند و از دل مردگی و افسردگی آن ها جلوه گیری می کند و روح پویایی را در جامعه زنده می کند. این، نتیجه ی انتظار فرج است. بنابراین هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یاس بر دل شما حاکم بشود، انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج محقق خواهد شد، مشروط بر این که شما انتظارتان انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.

او ناظر است

یک نکته ی دیگر در مسأله ی مهدویت این است که عقیده ی ما این است که امام زمان ارواحنفاذ متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست؛ اعمال ما بر او عرضه می شود. این جوان های مؤمن ما که در میدان های مختلف - چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود - این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می دهند، امام زمان سلام الله علیه را خرسند و خوش حال می کنند.

را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده اند و به بشر عرضه کرده اند، فرامی خواند. این نکته ی مهمی است.

درس امید

نکته ی بعدی در باب مهدویت، انتظار فرج است. انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده ای است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر می بیند که طواغیت عالم ترک تازی می کنند و چپاول گری می کنند و افسارگسیخته به حق انسان ها تعدی می کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بدانند که این وضعیت یک وضعیت گذراست «للباطل جُولَةٌ» «و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل و او خواهد آمد.

انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق های دیگر هم دارد. وقتی به ما می گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معایش این است که هر بن بستی قابل گشوده شدن است. فرج یعنی این؛ فرج یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار فرج می آموزد و تعلیم می گیرد که هیچ بن بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی شود کرد؛ نه. وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بست های جاری زندگی هم همین فرج متوقّع و مورد انتظار است.

این، درس امید به همه ی انسان هاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه ی انسان هاست. لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند؛ معلوم می شود انتظار، یک عمل است؛ بی عملی نیست. نباید

ولادت این بزرگوار یک عید حقیقی است؛ لذا بزرگداشت خاطره ی این روز و این ساعت هرگز از یاد معتقدان به مهدویت نخواهد رفت. فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود سلام الله علیه هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی، متعلق به همه ی مسلمان هاست.

فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می شناسند، اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی شناسند. تفاوت این جاست؛ والا اصل مهدویت مورد اتفاق همه ی مسلمان هاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند. آن ها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده اند، اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند. شیعه با خبر مسلم و قطعی خود، منجی را با نام، با نشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می شناسد. نکاتی در اعتقاد به مهدویت هست که من به اجمال آن ها را عرض می کنم.

ستاره دنباله دار

یک نکته این است که وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنفاذ استمرار حرکت نبوت ها و دعوت های الهی است؛ از اول تاریخ تا امروز. یعنی همان طور که در دعای ندبه می خوانید، از «فَبَعَثَ اَسْكَنَتَهُ جَنَّاتٍ» «که حضرت آدم است، تا» «الی اَنْتَهی الِامْرِ» «که رسیدن به خاتم الانبیا صلی الله علیه و اله است. و بعد مسأله ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می رسد به امام زمان. همه یک سلسله ی متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت ها، آن دعوت الهی به وسيله ی پیامبران، در هیچ نقطه ای متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعلیم انبیا نزدیک تر شده است. امروز جامعه ی بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعلیم انبیا را که ده ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود، درک کرده است. همین مسأله ی عدالت، مسأله ی آزادی، مسأله ی کرامت انسان، این حرف هایی که امروز در دنیا رایج است، حرف های انبیاست. آن روز عامه ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمی کردند. پی در پی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است.

آن داعیان الهی، امروز سلسله شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیه الله الاعظم ارواحنفاذ، ادامه ی سلسله ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین می خوانید: «السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته». یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیه الله مجسم می بینید. این بزرگوار وارث همه ی آن هاست و دعوت و پرچم همه ی آن ها



نیاز عبارتند از: **عکس ۳*۴** سه قطعه، **فتوکپی شناسنامه**: ۲ عدد، **فتوکپی کارت ملی**: ۲ برگ، **پوشه فارغ التحصیلان** نارنجی، **دبیرستان آبی**، راهنمایی سبز و گیره

برنامه های مختلف آینده، هرچه سریع تر اقدام به این کار نمایند. لازم به ذکر است ملاک ارایه ی برخی از خدمات کانون به اعضا پرونده ی آنان در واحد نیروی انسانی می باشد. مدارک مورد

به اطلاع کلیه ی اعضای شرکت کننده در برنامه های مختلف کانون فرهنگی پیامبر اعظم (ص) و هیات فاطمیون می رساند که دوستانی که تا کنون در جهت تشکیل پرونده در واحد نیروی انسانی اقدام ننموده اند جهت بهره مندی از

پرورسی ارتباط میان توحید و ولایت

ولایت در توحید



محمد حسین مرحمتی زاده

اعمالش و کردارش و صفاتش، فعل و کردار و صفات خدا می شود. نه این که او خدا می شود و یا خدا از خود چیزی را بریده و جدا کرده و به او می دهد. و نه این که به او هم مشابه آنچه را که خودش دارد عنایت می کند. بلکه به واسطه شدت صفا و خلوصی که در بنده پیدا نموده از هستی مجازی و اعتباری بیرون آمده و فانی در ذات خدا شده و خداوند در او تجلی نموده است. یعنی وجودش و سرش و واقعیتش آینه محض و مرآت تمام کمال جمال و جلال ذات احدیت گشته و خدا نما شده است.

ولایت به معنی حائز شدن صفات خداوندی بالاستقلال و با عزت شخصیه نیست. ولایت به معنی عبودیت محضه در برابر ربوبیت مطلقه اوست. ذلت محض در برابر عزت اوست.

ولایت مطلقه یعنی تحقق جمیع مراتب عبودیت و فنای محض در ذات اقدس اوست. ولایت های مقیده و جزئیه به معنی تحقق بعضی از مراحل عبودیت و فنای در فعل یا اسم یا صفت و فنای اجمالی و موقتی در ذات اوست که هنوز به مرحله فعلیت تامه نرسیده است.

ولی خدا خواست و طلب و اراده و اختیاری از خود ندارد. آنچه در وی از خواست و طلب و اراده و اختیار مشهود است عین صفات و اسما خداوندی است که در او ظهور کرده است.

مقام ولایت مطلقه ائمه علیهم السلام به معنی این نیست که هرچه از نزد خودشان بخواهند اگرچه جدا از خواست خدا باشد می توانند انجام دهند. به معنی این نیست که مشابه خواست خدا در خود خواستی دارند. بلکه به این معنی است که در خارج یک اراده و اختیار و مشیت بیش نیست و آن اراده و مشیت خداست و بس.

مردم محجوب عالم را متفرق می نگرند، اما این افراد از خواب بیدار شده: لا مؤثر فی الوجود الا الله. لا قادر فی الوجود الا الله. لا حی فی الوجود الا الله. لا ذات مستقله فی الوجود الا الله.

کند و به لقای محبوب نائل گردد. و لقای او فنا در ذات اوست، زیرا در صورت غیر فنا، او شناخته نشده است. و در صورت تحقق فنا دیگر غیری بر جای نمانده است تا غیر خدا بتواند او را بشناسد. در آنجا خداست که خود را می شناسد. به نظر می رسد مهم ترین وظیفه منتظر تهذیب نفس است. تقوی و تهذیب نفس ارتباط با مولا در زمان غیبت را بالا می برد و در زمان ظهور به منتظر این توانایی را می بخشد که از قافله یاوران مهدی جدا نگردد. مولا خود ولی خداست و یاوران نزدیک او هم از اولیاء خدا هستند. و نسبت هر کس با مقتدایش به اندازه نسبت او با خداست و هر که به خدای تبارک و تعالی نزدیک تر باشد به مولایش نزدیک تر است. مهم ترین وظیفه منتظرین مولا پس از تهذیب فردی، تهذیب اجتماعی است تا جامعه ای به وجود بیاید که لیاقت حکومت ولی خدا را داشته باشد. این بار که مولایمان را صدا زدیم از فکر دنیا و تعلقات دست و پا گیرش بیرون بیاییم. و بجای این که دعا کنیم وصله ای بر وصله های لباس پاره ما اضافه کن تا سنگین تر شود، دعا کنیم این وصله را از من بگیر تا من سبک تر شوم و لباسم ساده تر و لطیف تر شود و بی تعلق دنیا شایسته دیدارت شوم.

آقا نگاهت جای آهو هاست می دانم
دستان پاکت مثل من تنهاست می دانم
آقا دلت در هیچ ظرفی جا نمی گیرد
جای تو وسعت دریاست می دانم
برگشتنت در قلب های مرده مردم
همرنگ توفانی ترین دریاست می دانم
آقا اگر تو بر نمی گردی. دلیل آن در چشم های پر گناه ماست می دانم
ای کاش برگردی که بعد از این همه دوری
یک باره حس بودندت زیباست می دانم
کی باز می گردی؟ برایم بودن با تو
زیباترین آرامش دنیاست می دانم
تو باز می گردی اگر امروز نه! فردا
از آتشی که در دلم برپاست می دانم

خودسازی راهی برای تمجید در فرج

مصلح صالح می خواهد

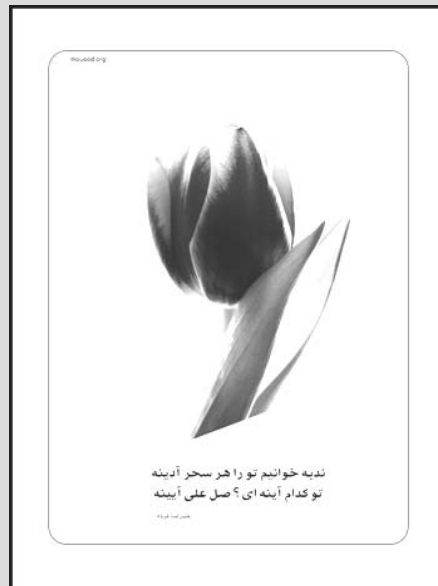
میم . ظ

اعمال صالح و نیکو انجام داد همچنان که وقتی منتظر مهمانی عزیز می باشید باید فضای خانه و وسایل منزل و حتی غذاها را به صورت صالح و شایسته ای قرار دهید و در واقع باید به آداب مهمان داری عمل نمایید و این کار با نیت کردن اینکه غذا خوب درست کنید و وسایل منظم داشته باشید محقق نمی شود و با آرزو چیزی به دست نمی آید.

از طرف دیگر تا کسی خود را اصلاح ننماید نمی تواند جزء یاری دهندگان مصلح باشد زیرا تا انسان خود سواد نوشتن و خواندن نداشته باشد چگونه می تواند به دیگران

وقتی که در آیات پربرکت الهی در قرآن کریم و احادیث زیبای اهل بیت علیهم السلام نگاه می کنیم خواهیم دید که تأکید بسیاری دارند مبنی بر اینکه انسانها مخصوصاً آنهایی که به دنبال شخص مصلح می گردند باید اعمال خویش را اصلاح نمایند. «قد افلح من زکها»

آری اینکه قرآن کریم بعد از یازده بار قسم می فرماید: «قد افلح من زکها» به حقیقت کسی که خویش را اصلاح نماید و به صراط مستقیم گام بردارد و امور اعمال خود را اصلاح نماید رستگار می شود نه اینکه هر کسی که بی تفاوت و بی خیال رفتار



سواد بیاموزد و دیگران نوشتن و خواندن از او یاد بگیرند. اینجاست که می بینید مقام معظم رهبری چه زیبا می فرمایند که: «منتظران مصلح خود باید صالحان در جامعه باشند» یعنی: مصلح کسی را پذیرای یاری کردن می باشد که خود صالح و شایسته و نیکوکار باشد تا بتواند دیگران را به صالح بودن و شایستگی راهنمایی و دعوت نماید نه اینکه خود عمل نکرده باشد و به دیگران بگوید که شما به این معارف عمل کنید زیرا این روش برخلاف آیات الهی می باشد: «لم تقولن ما لم تفعلن» چرا دعوت به کاری می کنید که خود انجام نداده اید

خویش برسد به سعادت می رسد هرگز این چنین نیست و نمی باشد و طبیعتاً مصلح و منجی بشریت به اینگونه افراد نیاز دارد تا در امر هدایت گری حقیقی مردم، او را یاری دهند
به عبارت دیگر مصلح، افراد صالح و شایسته ای که اعمال و کردار خویش را اصلاح نموده اند می طلبد نه هر کسی که امور زندگانی خویش را در بی تفاوتی و بی خیالی به سر برده باشد لذا در حدیث نورانی امام علی (ع) می فرماید که: بالاترین عملها انتظار فرج است. یعنی انتظار و منتظر بودن با عمل انسان محقق می شود نه با نیت انسان به تنهایی، نه با آرزو کردن به تنهایی بلکه باید عمل نمود و طبق دستورات الهی

زیارت قبور شهدا و قرائت حدیث کساء



عموم دوستداران و دلباختگان فرهنگ عاشورا و راه شهدا جهت شرکت در این مراسم دعوت به عمل می آید.

کساء در کنار قبور مطهر شهدای شهرستان برگزار می نماید. این برنامه هر هفته بعد از ظهر پنجشنبه راس ساعت ۷ در یکی از گلزار شهدای شهرستان برگزار می گردد. از

واحد تفحص سیره ی شهدای کانون فرهنگی پیامبر اعظم (ص) در راستای بزرگداشت یاد و خاطره ی شهدا هر هفته اقدام به برگزاری زیارت قبور شهدا و در ادامه قرائت حدیث شریف

امت آخرالزمان و انقطاع تاریخی



دکتر ابراهیم فیاض

۱. تاریخ ایران را می توان تاریخ بشریت دانست؛ چرا که این تاریخ، تاریخ بشری را در بسیاری از نقاط مهم رقم زده است. فهم این تاریخ می تواند، هم به ایرانی ها و هم به جهانیان راه های آینده بشری را بنمایاند و به عنوان یک فرهنگ جهانی، در عصر جهانی شدن رسانه ها (نه جهانی شدن ارتباطات)، الگویی برای جهانیان باشد و ایرانیان نیز در این جام جم، وضعیت خود را در جهان آینده ترسیم کنند.

۲. ایران از همان آغاز تاریخ، یک فرهنگ انسانی یا یک فلسفه انسانی را برای بشریت ترسیم کرد، چون تاریخ ایران، تاریخ همزیستی صلح آمیز ملل و نحل مختلف بود. دولت های تشکیل شده در ایران از همان آغاز، دولت هایی بین قومی و بین المللی بوده است؛ مثل حکومت مادها که از مادها و پارتها و پارسها تشکیل گردید. آنچه جانمایه این حکومتها را تشکیل می دهد، اخلاق انسانی حاکم بر تمامی ملل و اقوام است.

۳. چون ایرانیان ملتی مهاجر و دامدار بوده، یکجانشین نبوده اند، پس این حرکت بیلاق و قشلاق از کوهپایه ها به دشت و به عکس، و حرکت های فصلی، از آنان ملتی با سعه صدر و تسامح و تساهل طلب ساخته بود که دیگران را تحمل کرده، آنها را مهمان خود دانستند و سعی کرده اند از مهمانان خود چیزها یاد بگیرند و رمز مهمان دوستی ایرانی ها و هضم فرهنگ جهانی و فرهنگ سازی جهانی نیز در همین نوع معیشت نهفته است.

۴. مذهب ایرانیان پیش از اسلام بر محور توحید پاک بیابانی بوده است، نه مذهب های شرک آلود شهری و

یکجانشین، مهرپرستی و اهورامزدا، همه و همه توحیدگرایی ایران بوده است، به همین دلیل، تاریخ مذهب در ایران، تاریخ خدای واحد بوده و موجب یک انقلاب مذهبی شده و مذهب را از طبیعت گرایی شرقی (مثل هندوئیسم) به طرف مذاهب خدای واحد هدایت کرده است.

۵. بنابراین، توحیدگرایی را ایرانی ها در سطح جهان گسترش دادند، ولی چون ایرانیان پیش از اسلام مذهب عظیمی نداشته، نمی توانستند جهان یونان را در خود هضم کنند و همیشه جنگ میان آنها جنگ میان فرهنگ (ایران) و تمدن (یونان) بوده است. یونانی ها که شهر محور (Polis) بوده اند و خدایان شرکی داشته اند و براساس این تکثرگرایی شرک آلود، به تولید معرفت و فلسفه پرداخته اند، با مذهب توحیدگرایی ایرانی درگیر شده اند، ولی تعامل معرفتی بین آنها رخ نداده است. جنگ وجود داشته، ولی تعامل معرفتی در میان نبوده است.

۶. ایران پس از اسلام، چون مذهب اسلام را دریافت و با جهان بینی اسلامی، جهان را در گستره عظیمی مشاهده کرد، به انقلاب بعدی که یک انقلاب جهانی معرفتی و هضم میراث یونان باستان در فرهنگ خود بود، دست یافت. فلسفه شرک آلود ایرانی با توحید

ناب ایرانی، در سایه اسلام آمیخت و این فلسفه از شرک زدوده شده، به فلسفه توحیدی تبدیل شده است؛ فلسفه ای که تا اندازه زیادی به عرفان نزدیک شده بود (مثل اشارات بوعلی سینا) و این یک انقلاب دیگر معرفتی فلسفی بوده که جهان را از یک مرحله به مرحله دیگر وارد می کرد. به طوری که غربی ها از این مرحله به عنوان مرحله انتقال فرهنگ یونانی به غرب جدید یاد می کنند (ولی از نظر محتوایی به سادگی از آن می گذرند).

۷. این فلسفه یونانی ایرانی و توحیدی شده، در طی فرآیند خود به فلسفه اشراقی سهروردی می رسد و با آتش عشق گرایی او همراه می شود تا در دوره بعد به فلسفه ملاصدرا تبدیل شود، فلسفه عرفانی و فلسفه احساسی که در آن عقل و احساس به عنوان دو رهیافت، سنتز و ترکیب شده اند و این سنتز در پناه مذهب تشیع ایرانی رخ می دهد و این انقلابی عظیم معرفتی است که مشرق زمین را می سازد.

۸. این فلسفه که سنتزی عظیم از جهان، ایران، اسلام و تشیع است، نقطه عظیمی از شروع است که فرهنگ ایرانی را در آینده ترسیم می کند. این فلسفه شرق معرفتی و غرب معرفتی، جهان را به هم پیوند می دهد و یک

۹. این فلسفه در یک بسط تاریخی واقع می شود و در تار و پود تاریخ، نهضت های فرهنگی - سیاسی ایجاد می کند، ولی چون هنوز چارچوب معرفتی متناسبی پیدا نکرده است، این نهضت ها به ظاهر شکست می خورند، ولی در واقع این فلسفه خود را در این وقایع تاریخ پاک تر و دقیق تر می کند تا حاملان آن بتوانند براساس این معرفت فلسفی، ساختاری سیاسی و فرهنگی به وجود آورند.

۱۰. انقلاب اسلامی ایران، مظهر تام فلسفه صدرایی بود و آن را در قالب یک ساختار به جهان ارائه داد. در پی این انقلاب، انقلاب های معرفتی - ساختاری در جهان رخ داد و اکنون هر روز این انقلاب، پارادایم های مسلط جهانی را می شکند و جهان را به طرف یک پارادایم منابخش جهانی پیش می برد که نجات بخش جهانی در این قرن است.

۱۱. این انقلاب براساس نظریه انسان

کامل یا اسوه حسنه به وجود آمد که در بعد ساختاری به نظریه ولایت فقیه تبدیل شد و جمهوری اسلامی ایران را تشکیل داد. انسان کامل، زمین جدا شده از آسمان یهودیت و آسمان از زمین جدا شده مسیحیت را به هم پیوند داد و این بی معنایی حاصل از جدایی آسمان از زمین را می تواند از بین ببرد؛ و این همان رمز از خودبیگانگی انسان از خود و جهان اطراف بود.

۱۲. در مقابل، ائمه کفر جهانی که سعی در پوشاندن این ذکر و یادآوری جهانی دارند، در بعد معرفتی و ساختاری این پیام معنوی جهانی را خفه می کنند. تحمیل جنگ و محاصره های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و معرفتی، از جمله برخوردها با این پیام جهانی بود، ولی اینها همه سد این پیام نشد و این پیام در سطح جهان پخش شد، ولی امروز به دنبال یک نوع انحراف تاریخی هستند تا عقبه این اندیشه را دچار خدشه و اختلال کنند.

۱۳. انقطاع تاریخی از مهم ترین اهدافی است که امروزه از طریق ائمه کفر دنبال می شود. انقطاع ماقبل اسلام و مابعد اسلام و انقطاع اقوام ایران و انقطاع دین از فرهنگ ایرانی و انقطاع جغرافیایی از اطراف خود، در قالب ادعاهای ارضی، و انقطاع جغرافیایی فرهنگی از حوزه های فرهنگی - تاریخی ایران، مثل هند و... و راه مقابله با آن وصل کردن با توجه مردم، به دور از نخبگان اختلاف برانگیز است (بزرگ ترین انقطاع، حضور نظامی امریکا در افغانستان و عراق است

تزیینات بود در طول بازارهای کازرون و هم چنین در ورودی های شبستان های مساجد بامورد، به شکل زیبایی درختان مصنوعی می ساختند و درون آنها با پارچه های رنگی و متناسبت با سلاقی مختلف به طرز باشکوهی تزیین می کردند. البته با ظهور برق بوسیله چراغ های الوان، در ستون های درخت مورد چراغانی صورت می گرفت. بازاریان در برخی نقاط بازار کارهای ابتکاری خاصی انجام می دادند مثلاً حوض های کوچک سنگی و سیمانی پر از آب را در وسط بازار قرار می دادند و ماهی های قرمز در آن رها می کردند معمولاً چنین کارهای ابتکاری متناسب با حرفه و پیشه ی پیشه وران و مغازه داران انجام می شد. پخش شربت و شیرینی در طول بازار به طور گسترده رواج داشت قنادی ها در مقابل مغازه های خود شیرینی پخش می کردند. جالب اینکه مواد تهیه شربت مانند شکر و عرقیات و آلبیمو همچون تدارکات دیگر، بوسیله مردم و با ایده ی نذر امام، تأمین می گردید، در فصول سرما جشن مساجد درون شبستان و در فصول گرما معمولاً در حیاط مسجد برپا می شد. البته مردم متدین از بهانه ی جشن و شادی برای فهم انتظار و ختم ولایت امام نیز استفاده کرده و از این فرصت ها علاوه بر مداحی های سنتی، منابر وعظ و خطابه برپا می کردند و خطبا و روحانیون در خصوص فلسفه انتظار و ظهور قائم و معارف قرآنی به ایراد سخن می پرداختند.

کازرون و نیمه ی شعبان

چهره ی قدیم کازرون در نیمه شعبان



علی اکبر فرشته حکمت

که تمام فرش ها و پارچه ها و وسایل تزییناتی، توسط مردم و همسایگان دور و نزدیک مسجد و با رغبت و شوق و به نوعی به شکل ادای وظیفه، برای ایام جشن اهدا می گردید. با اینکه اکثریت مردم وضعیت مالی وامکانات زندگی امروزی نداشتند اما سخاوت مندانه هر آنچه در منزل و چمدان و صندوقچه هایشان ذخیره داشتند در طبق اخلاص نهاده برای جشن امامشان تحویل مساجد می دادند. پارچه فروش ها (بزازها) وظیفه ی خود می دانستند که عدل و طاقه های پارچه خود را برای ایام جشن امام زمان اهدا کنند. بر حسب اعتقاداتشان که با واقعیت قرین بوده مردم کوچه و بازار با اهدا وسایل و اموال کار و زندگی و منزل برای جشن امام زمان (ع)، خود و زندگی و اموالشان را بیمه کرده و موجبات برکت آنها را فراهم می کردند.

بازار کازرون در جشن امام زمان، چهره دیگری می یافت. شاخه های درخت مورد یکی از مواد اصلی

تزیین می شد. بر دیوار و ستون های قطور ساختمان های قدیمی این مساجد فرش های دست باف (قالی) آویخته می شد. سقف آنها به وسیله پارچه های رنگی تزیین می گردید. بر روی زیلوهای کف شبستان نیز قالی های دست باف مفروش می شد. روی فرش ها و پارچه های آویخته شده جانماز، سوزنی، گبه و قلاب دوزی ها و انواع بافتنی های دست باف زنان و دختران نصب می کردند که چشم انداز زیبا و دوست داشتنی ای در فضای مسجد ایجاد می گردید. نکته قابل تامل در آن تزیینات این است

زیباترین، شادترین، هیجان ترین، پرخاطره ترین ایام سال، در گذشته ی نه چندان دور شهر کازرون (همانند اکثر نقاط کشور) همانا نیمه ی ماه مبارک شعبان المعظم و ایام جشن ولایت و ولادت قائم آل محمد، حجه بن الحسن العسکری بود. از اوایل این ماه فاطمه ی مردم به ویژه کسبه و پیشه وران بازار (مرکز تولیدی و تجاری و معاملاتی شهر) برای برپایی جشن بزرگ ۱۵ شعبان تمهیدات و تدارکات لازم را فراهم می نمودند. در سطور بعد شرح داده خواهد شد که تقریباً تمام مردم در برگزاری جشن، حضوری مادی و معنوی داشتند. افراد متمکن و افراد تنگدست هر یک متناسب با توان مالی خود و

بازار کازرون در جشن امام زمان، چهره دیگری می یافت. شاخه های درخت مورد یکی از مواد اصلی تزیینات بود در طول بازارهای کازرون و هم چنین در ورودی های شبستان های مساجد بامورد، به شکل زیبایی درختان مصنوعی می ساختند و درون آنها با پارچه های رنگی و متناسبت با سلاقی مختلف به طرز باشکوهی تزیین می کردند.

در عین حال با نهایت همت و اراده در جشن شرکت می کردند. اکثر مساجد جامع و معروف و مهم شهر



برگزاری مراسم جشن میلاد امام زمان (عج)

رستگار مقدم، دیدار و خوشکردار برگزار کردید. حجه الاسلام رصاف در این مراسم، پیرامون انتظار و اوصاف منتظران به ارایه ی مطالبی پرداختند.

پانزدهم و شانزدهم ماه مبارک شعبان، مراسم جشنی را به مناسبت میلاد امام زمان (عج) در محل حسینیه ی ابوالفضل کازرون (حسینیه ی آهنگران) را همراه با سخنرانی حجه الاسلام رصاف و مولودی خوانی مداحان اهل بیت آقایان

هیات فرهنگی مذهبی فاطمیون با همکاری و همکاری هیات‌رهروان ولایت (فداییان حضرت ابوالفضل) در راستای اجرای برنامه ی محوری خود که بزرگداشت مراسم های مذهبی در سطح شهرستان می باشد، در شب های

صفحه ۷

را دعوت کرد، انتظار در آن ها شکوفا شد؛ خدا هم پاسخ مثبت داد. بعد از اینکه امام(ره) نهضت را شروع کرد، گروه‌هایی از مردم صادقانه با وی بیعت کردند و در راه پیروزی او از هیچ کمکی مضایقه نکردند. مادرهایی بودند که می‌گفتند: کاش فرزند دیگری هم داشتیم تا در راه انقلاب می‌دادیم، جوان‌هایی بودند که هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند و در رفتن به جبهه، مسابقه می‌گذاشتند. کسانی، خودشان به آنان و لوازم زندگی محتاج بودند؛ اما به کمک همسایه‌ها شتافتند. آن‌ها راست گفتند و خدا چنین نعمت عظیمی را به آنان داد که اگر نگوییم بی‌نظیر، لاقلاً خیلی کم‌نظیر است. ما هنوز درک نمی‌کنیم که پیروزی این انقلاب، چه نعمت عظیمی است. باید آن را در شمار معجزات دانست.

متأسفانه بعد از پیروزی و برقراری این نظام، کسانی خدا را فراموش کردند و گفتند: ما بین قدرت‌های آمریکایی هستیم که اطراف ما را احاطه کرده‌اند، هیچ چاره ای نداریم و باید تسلیم شویم! پس خدا چه کاره است؟ چه کسی در جنگ بدر، مسلمان‌ها را پیروز کرد؟ چه کسی از ۱۵ خرداد به بعد، یک مشت مردم پا برهنه آموزش ندیده بدون اسلحه را بر حکومت مجهز به پیشرفته‌ترین سلاح‌های روز پیروز کرد؟ آیا یاری کننده، امروز نیست؟ آمریکا جای او را گرفته؟

نعمتی که قدرش را نمی‌دانیم ...

امروز انتظار فرج این است که ما در حمایت از ولایت، صادق باشیم. اگر امام نیست، جانشین شایسته او وجود دارد. نعمتی است که قدرش را نمی‌دانیم. کسانی که صلاحیت دارند، تفاوت این شخصیت را با شخصیت‌های مشابهش با نزدیکانش بسنجند، تا ببینند تفاوت چقدر است. اگر خدای متعال، این نعمت را به ما نداده بود، بیش از ده سال در چنگال آمریکا له شده بودیم. دولتمردان ما آماده تسلیم بودند، تنها قدرت الهی اوست که با دعا و توسل و سخنان حکیمانه‌اش، روحیه ایمان و امید را در مردم ما زنده داشته، عزت اسلامی و غیرت دینی را در جامعه ما حفظ کرده است و جوان‌های ما صادقانه برای حفظ این باورها و ارزش‌های اسلامی فداکاری می‌کنند.

خدا نکند که این تعادل به هم بخورد؛ پروردگار هیچ ضمانتی نکرده که اگر گروهی در یک زمانی، صداقت داشتند، الی الابد آنها را به عزت برساند؛ مادامی است که آن صداقت را دارند. اگر انحرافی پیدا کردند، مدتی به آنها مهلت می‌دهد؛ اما اگر مسیر را عوض کردند، بدانند که خدا با کسی خویش و قومی ندارد.

برای اینکه حکومت اسلامی برقرار باشد و پرچم اسلام در سراسر عالم با عزت و افتخار برافراشته بماند، به فرج اجتماعی احتیاج داریم. یعنی مردم باید صادقانه در راه اسلام تلاش کنند و عملاً به ثبوت برسانند که ما حاضریم جان، مال و آبرویمان را برای حفظ اسلام بدهیم.



انتظار فرج بالاترین عبادت ها



آیت الله مصباح یزدی (حفظه الله) ▶

انتظار فرج شخصی؛ انتظار فرج عمومی

انتظار فرج شخصی، از راه توسل است؛ چه در زمان ظهور پیغمبر و امام، چه در زمان غیبتشان. توسلاتی که حتی به امام زاده ها و بندگان صالح می شود، برای این است که دعای ما، یک دعا کننده دیگری هم پیدا کند.

خوب است به نکته ای اشاره کنم: یکی از مراجع بزرگ (حفظه الله تعالی) می فرمودند: کسی در عالم خواب، از مقام حضرت معصومه (س) سؤال کرد که آیا آن حضرت فقط برای مردم قم شفاعت می کنند یا برای همه؟ جوابش دادند که برای مردم قم، میزای قمی کافی است. توسل به بندگان شایسته خدا هم میتواند مفید و کارساز باشد. غیر از انتظار فرج شخصی، انتظار فرج عمومی هم داریم که بیشتر در زمان غیبت مورد توجه است و بالاترین عبادت در این زمان شمرده می شود. فرج عمومی، مراتبی دارد: فرج مطلق و فرج نسبی.

فرجی که برای جامعه اسلامی حاصل می شود، همه جهان را فرا می گیرد و هیچ منطقه ای از برکات آن محروم نمی ماند، آن فرج به دست مبارک شخص حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) حاصل می شود و ما باید انتظار آن را داشته باشیم.

غیر از انتظار فرج مطلق، یک فرج نسبی هم داریم که برای جامعه اسلامی و شیعی است. خدای متعال در این دوران، این فرج نسبی را برای جامعه ما رساند. یعنی با شروع نهضت روحانیت به دست مبارک امام (رضوان الله علیه)، روح امیدی در جامعه دمیده شد که میتوان احکام اسلام را اجرا و دست اجانب را از مملکت کوتاه کرد. قبل از آن، کسی باور نمی کرد، می‌گفتند: همه چیز از دست رفته، جز با ظهور ولی عصر (عج) چاره ای نیست، هر چه تلاش کنیم بر باد خواهد رفت. اما وقتی یک مرجع تقلیدی مانند امام(ره) با آن صفا و از خودگذشتگی و سایر صفاتی که مجموع آنها کمتر در انسانی یافت میشود، مردم

کنند و ببینند و هر کسی به اندازه توانش، قدمی در این راه بردارد تا به برکاتش نائل شود.

انتظار فرج یعنی...

به هر حال، با توجه به فلسفه وجود امامت و غیبت امام، باید بدانیم فرج یعنی چه و چگونه از آن، بیشتر بهره‌مند باشیم. فرج، گشایشی است که بعد از تنگنا حاصل میشود. گاه انسان در زندگی فردی خود، در یک وضعیت خاصی قرار می گیرد که احساس می کند همه درها به روی او بسته شده و راه نجاتی ندارد؛ حال چنانچه یک روزنه ای باز شود و او بتواند نجات یابد، می‌گویند فرج حاصل شده است. همه ما کم و بیش در زندگیمان چنین چیزهایی اتفاق افتاده است؛ گاه در وضع سختی هستیم و چنان وسائل غم‌انگیز و گرفتار کننده، ما را احاطه کرده است که راه نجاتی برای خودمان نمی‌بینیم؛ ولی خدای متعال، راهی باز کرده و به فرجی رسانده است.

خدا از باب رحمت و اسعه اش، وجود او را ذخیره کرد ...

خداوند، یازده امام را که یک تار مویشان به همه عالم می‌ارزد، در اختیار مردم قرار داد تا سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین کند؛ ولی قدر ندانستند، گفتند دلمان می‌خواهد خودمان انتخاب کنیم، می‌خواهیم حکومتان دموکراتیک باشد، نمی‌خواهیم خدا برایمان نصب کند. نوبت رسید به امام دوازدهم، اگر آن حضرت هم - مثل سایر ائمه - در میان مردم حضور می‌یافت، همان سرنوشتی را داشت که ائمه پیشین داشتند. خدای متعال از باب رحمت و اسعه اش، وجود او را ذخیره کرد برای روزگاری که مردم صلاحیت امامت او را پیدا کنند؛ زمانی که مردم برای رهایی از سختی‌هایی که می‌کشند، به هر دری میزنند و دنبال هر صدایی راه می‌افتند، ولی همه جا سرشان به سنگ می‌خورد و از همه ناامید می‌شوند؛ آن وقت آمدگی پیدا می‌کنند تا ندای داعی الهی را پاسخ بگویند و حکومت او را بپذیرند. آن زمان حضرت (عج) تشریف خواهد آورد. اما چه وقت؟ رازی است که هیچ گاه افشاء نشده و نخواهد شد؛ البته حکمت‌هایی دارد. اگر تاریخ معینی بود، مردم برای ایجاد آمدگی در خود، اقدامی نمیکردند و می‌گفتند: آقا خودش می‌آید و کارها را درست می‌کند. اراده الهی بر این قرار گرفته است که مردم با اختیاری و انتخاب خودشان، راه صحیح را شناسایی

اسلام، فقط وظیفه شخص امام نبود؛ بلکه پذیرش مردمی می‌خواهد. هر گاه مردم آمدگی پیدا کردند که حکومت امام معصوم را بپذیرند، او با آن عهد دار شنیده‌اید که می‌فرماید: به این دلیل متصدی حکومت شدم که مردم حاضر شدند و با وجود ناصر و یاور، حجت بر من تمام شد... بیعتی که با امیرالمؤمنین شد، در تاریخ اسلام بی‌نظیر بود. خود حضرت می‌فرماید که نزدیک بود حسین زیر دست و پا له شوند!

خدا از باب رحمت و اسعه اش، وجود او را ذخیره کرد ...

خداوند، یازده امام را که یک تار مویشان به همه عالم می‌ارزد، در اختیار مردم قرار داد تا سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین کند؛ ولی قدر ندانستند، گفتند دلمان می‌خواهد خودمان انتخاب کنیم، می‌خواهیم حکومتان دموکراتیک باشد، نمی‌خواهیم خدا برایمان نصب کند. نوبت رسید به امام دوازدهم، اگر آن حضرت هم - مثل سایر ائمه - در میان مردم حضور می‌یافت، همان سرنوشتی را داشت که ائمه پیشین داشتند. خدای متعال از باب رحمت و اسعه اش، وجود او را ذخیره کرد برای روزگاری که مردم صلاحیت امامت او را پیدا کنند؛ زمانی که مردم برای رهایی از سختی‌هایی که می‌کشند، به هر دری میزنند و دنبال هر صدایی راه می‌افتند، ولی همه جا سرشان به سنگ می‌خورد و از همه ناامید می‌شوند؛ آن وقت آمدگی پیدا می‌کنند تا ندای داعی الهی را پاسخ بگویند و حکومت او را بپذیرند. آن زمان حضرت (عج) تشریف خواهد آورد.

اما چه وقت؟ رازی است که هیچ گاه افشاء نشده و نخواهد شد؛ البته حکمت‌هایی دارد. اگر تاریخ معینی بود، مردم برای ایجاد آمدگی در خود، اقدامی نمیکردند و می‌گفتند: آقا خودش می‌آید و کارها را درست می‌کند. اراده الهی بر این قرار گرفته است که مردم با اختیاری و انتخاب خودشان، راه صحیح را شناسایی

این گرایش عظیمی که امروز در سراسر جهان و در همه اقطار کشور اسلامی به اهل بیت و این مکان مقدس (مسجد جمکران) وجود دارد، از برکات پیروزی انقلاب است. بحمدالله به برکت معارف اهل بیت که با تلاش‌های علمای و بزرگان در اختیار ما قرار گرفته، نسبت به شخصیت امام زمان (عج) معلومات خیلی خوبی داریم. چیزی که امروز جوان‌های ما بیشتر به آن نیاز دارند، تبیین معارف اسلامی است که باعث تقویت ایمانشان شود و در سایه آن، وظایف خود را بهتر بشناسند و عمل کنند. یکی از مفاهیمی که ما از دوران طفولیت با آن انس گرفته ایم، «انتظار فرج» است. «افضل عباد» امتی انتظار الفرج» بالاترین عبادت مردم، انتظار فرج است. به گمان من بسیاری از جوانهای ما برداشت روشنی از انتظار فرج ندارند. چنانچه بگوییم «انتظار ظهور آن حضرت»، معنا روشن است اما چرا این همه درباره مفهوم انتظار فرج، تأکید شده؟ فرج یعنی چه و چگونه باید در انتظار فرج بود و چه ارتباطی با وجود مقدس امام زمان و وظیفه ما در زمان غیبت دارد و چرا بالاترین عبادت است؟ سوالی است که شاید در ذهن بسیاری از جوان‌ها باشد. برای پی بردن به مفهوم انتظار فرج و دانستن وظیفه خود در این زمان، باید به هدف امامت و ظهور آن حضرت توجه کنیم. فلسفه امامت، این است که خدای متعال بعد از فرستادن پیغمبر اسلام - که بعد از او پیامبری نخواهد آمد - از فرط لطف، برای اینکه بهره مردم در سالیان دراز و قرون متوالی به کمال برسد، کسانی را وصی و جانشین پیغمبر قرار داد که همه ویژگی‌های او را دارند منهای دریافت وحی، نبوت و رسالت، تا بتوانند هدف پیغمبر را تکمیل کنند. به همین دلیل در آیه ولایت در روز غدیر تعبیر «اکملت لکم دینکم» به کار رفت. فلسفه اصلی امامت، به کمال رساندن دین است. خدای متعال، در نسل حضرت زهرا(س) چنین استعدادی را قرار داد که یازده نفر از فرزندان آن حضرت، به مقام امامت نائل شوند. ما شیعیان واقف هستیم که ائمه در طول دو قرن، چه خون دل‌هایی خوردند تا توانستند معارف اسلام را فراگیر و از دستبرد راهزنان حفظ کنند و حقایق اسلام را به نسل‌های آینده برسانند. تدبیرهای زیادی اندیشیده بودند که معارف اسلامی در دورترین بلاد عالم، منتشر شود؛ این پخش شدن امام زاده‌ها در شهرهای مختلف، بی برنامه و بی هدف نبوده است. به هر حال، با تدبیرها و زحمات خود، کاری کردند تا معارف حق اسلام - که در مکتب تشیع متبلور است - به همه بلاد تا آن جا که ممکن است برسد. این کار انجام گرفت؛ ولی هدف دیگر (برقراری نظام حکومتی عادلانه به دست امام معصوم) به پذیرش مردم مشروط بود. تا آن جا که به وظایف خود ائمه اطهار (سلام الله علیهم) مربوط بود، آنها با تمام تلاش و در مواردی با احیاء خون‌های پاک خود و عزیزانشان، این وظیفه را انجام دادند و معارف اسلام را منتشر کردند. اما برقراری یک نظام حکومتی

واحد تفحص سیره‌ی شهدا با همکاری واحد هنرهای نمایشی کانون فرهنگی پیامبر اعظم (ص) در تاریخ ۲۳ و ۲۴ مرداد ماه به مناسبت سالروز آزادسازی اولین گروه از اسرای جنگ تحمیلی نمایشی را با عنوان «

شبیه عباس » در محل تالار مرحوم نصراله مردانی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان پس از نماز مغرب و عشا برگزار نمود و مورد استقبال مردم فرهنگ دوست و نیروهای فعال شهرستان ، واقع گردید .

در حاشیه ی برگزاری این نمایش مستندی پیرامون شهدای گمنام که از سوی گروه فرهنگی تهیه شده بود نیز به نمایش گذاشته شد. لازم به ذکر است تماشای این نمایش به صورت رایگان بود .

« کانون »

نشریه داخلی کانون فرهنگی پیامبر اعظم (ص)
هیات فاطمیه کانون
زیر نظر شورای نویسندگان
صفحه‌آرا: مهدی صنعتی

مدت هاست که یکی از مباحث داغ محافل سیاسی ، مسایل فلسطین است . کشوری که از مدت ها پیش و پس از نقشه ی حساب شده ای که با مطالعات و برنامه ریزی های دقیقی که از جانب قدرت های آن زمان تدوین شده بود و به وسیله ی برخی از بزرگ ترین سرمایه داران اروپایی - آمریکایی حمایت می شد به مرحله ی اجرا در آمده و هنوز که هنوز است این جدال بر سر مالکیت این کشور میان اشغال گران و ساکنان اصلی این سرزمین ادامه دارد و در این میان گویا بهترین مرجعی که میتواند این مشکل را بدون خونریزی به اتمام برسانند و کشورهای درگیر در جانب اشغال گر این داستان ، خود مبلغ و مدافع آن هم می باشند پشیزی ارزش ندارد و آن چیزی نیست جز انتخابات و حکومت رای مردم بر سرنوشت خویش ؛ بی شک این که چرا سیاست مداران کشورهای مدعی و مبلغ دموکراسی علاقه ای به ترویج و اجرای مهم ترین رکن مبانی فلسفه ی سیاسی خود ندارند و به راستی در پس این انتحار سیاسی و فلسفی چه منفعتی نهان است را می توان با پاسخ های گوناگون و از زوایای مختلف مورد تحلیل قرارداد .

یکی از مهم ترین دلایل آن شاید این باشد که آن ها خود نیز این امر را به درستی دریافته اند که دموکراسی ای که تا چندی پیش رشد دهنده ی منافع آنان بوده است ، این روزها به قاتل آنان تبدیل گشته و دوران اقتدار آنان را رو به اضمحلال می کشاند و لذاست که در این چند ساله هر کس در شعارهایش مواضعی بر علیه آمریکا داشته است محبوب و منتخب مردم قرار گرفته

موعود گرایان در اندیشه سنیاست مداران

منافع سیاسی یا دغدغه ی دینی



مهدی صنعتی

(علیهما السلام) که سرداب غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن است که در انفجار دوم منجر به خراب شدن سقف سرداب مبارک گردید و هم چنین بمب گذاری در مرقد دومین نائب خاص آن حضرت دست یابی به کد هایی را منجر می شود که تحلیل این امر را ساده تر و روان تر می کند . این همه در حالی است که در این چند ساله و از زمانی که مقامی عالی رتبه چون رییس جمهور محترم کشورمان در همگی سخنرانی هایشان - بالاخص سخنرانی در سازمان ملل متحد و در مجامع مختلف دانشگاهی کشورهای متفاوت دنیا - یاد و نامی از منجی عالم بشریت که کامل ترین و منطقی ترین موعود آخرالزمان در میان ادیان است می کنند ، گروهی هوار کشان و فریاد کنان به میدان می آیند و خبر از بروز خطر انجمن حجتیه می دهند . آنان که در مدت زمامداری خودشان افراد و گروه های التقاطی و انحرافی بسیاری رشد و نمو پیدا نموده و نام آن را آزادی مذهبی می گذاشتند چگونه است که در مقابل یاد و نام ایشان موضع گرفته سینه چاک کنان به دنبال اثبات باورهای انحرافی در پس دعای برای تعجیل در فرج هستند ؟ لذاست که در این میان آن چه باقی می ماند سوالی است بی پاسخ و آن این که آیا این همه قتل و کشتار بر سر مسایل سیاسی است و این همه ترس و واهمه از نفوذ انجمن حجتیه ، ناشی از دغدغه ای دینی است ؟

آستانه ی سال ۲۰۰۳ در گردهم آیی گویندگان مذهبی در شهر « ناشویل ایالت تنسی » گفته بود : « ایالات متحده فراخوانده شده تا آزادی را که یکی از مواهب الهی ، است به تمام مخلوقات سراسر جهان ارزانی دارد . » و پس از ۱۱ سپتامبر گفته بود : « ما می خواهیم اراده ی خدا را محقق کنیم . » . شاید وقتی « جیمز وات » وزیر کشور اسبق آمریکا ، در جمع کمیته ی مجلس نمایندگان اعلام کرد « به علت ظهور دوباره و قریب الوقوع مسیح نمی توانیم خیلی در بند نابودی منابع طبیعی خودمان باشیم » تنها جماعت مسیحیان صهیونیست و میلیون ها نفر از مخاطبان کلیساهای انجیلی پروتستان آمریکا و انگلیس ژرفای کلام او را درک می کردند . بی گمان همانان نیز ، اولین کسانی بودند که از راز حضور آمریکا در خاورمیانه و عراق و تصمیم های بعدی سران کاخ سفید خبر داشتند . (۱) که البته با اضافه نمودن بمب گذاری های مهم در عراق - که بدون شک از سوی ایادی آمریکایی صورت پذیرفته است - که دو بار در مرقد امامین عسکریین

عمق این واقعیت زمانی روشن تر می شود که با رجوع به سخنرانی برخی از روسای جمهور آمریکا به نکات قابل توجهی دست می یابیم . **رونالد ریگان** در یکی از سخنرانی هایش می گوید : « من از خدا می خواهم به من توفیق دهد کلید شلیک موشک هسته ای را فشار دهم تا جنگ آرمگدون آغاز شود . » **جیمی کارتر** هم با هیاتی دموکرات منش میزان علقه و و نسبت آمریکا و یهود را در حد « وحدت در اخلاق و فرهنگ و احکام » خواند و اعلام کرد : « تاسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ ، بازگشت به سرزمین آفتاب مقدس را که یهودی صدها سال پیش از آن بیرون رانده شده ، فراهم می سازد . تاسیس امت اسرائیل تکمیل پیش گویی های کتاب مقدس و جوهر تمام کارهاست . » ریگان و کارتر و پس از همه ی این ها جرج بوش بر اساس این پندار که « زمینه سازان ظهور مقدس » و « ماموران برگزیده از سوی خداوند » هستند سر در پی محقق ساختن « اراده ی خداوند » در عرصه ی زمین گذاشته بودند . « **بوش** » در

است . لکن واقعیت آن است که چرایی مساله ی فلسطین را باید در جایی دیگر کنکاش نمود که آن هم چیزی نیست جز باورهای آخرالزمانی و بنیادگرایانه ی حزب حاکم در کاخ سفید ، چرا که آنان بر اساس اعتقادات موعودگرایانه ی خویش آن جا را هر آن چه خالی تر از مسلمانان ببینند خوشحال تر بوده ، بهتر می توانند پیاده نظام مذهبی و متعصبین ساکن در بیت المقدس را به سمت خراب نمودن این قبله ی اول مسلمین و کنکاش در پی باقیمانده هایی از معبد سلیمان راهنمایی کنند تا بوسیله تجدید بنای دوباره و قربانی نمودن گاو سرخ موی - که همگی از مقدمات منجی آخرالزمانشان است - مقدمات ظهور مسیح (ع) را در بیت المقدس ایجاد کرده ، تئوری حکومت جهانی یهود را عینیت بخشند و این گونه است که در پس هر فعالیت ضد بشری در فلسطین ، باید باورهای دینی از نوع افراط گرایانه و بنیادگرایانه ی صهیونیستی را جستار نمود تا بتوان به درستی به تحلیل این وقایع و خون ریزی ها و آن حمایت ها پرداخت.

* پاورقی :

۱- نقل از کتاب پیشگویی ها و آخرالزمان - جلد

این است باران

سید حسن حسینی

صبحی دگر می آید ای شب زنده داران
از قله های پر غبار روزگاران
از بیکران سبز اقیانوس غیبت
می آید او تا ساحل چشم انتظاران
آید به گوش از آسمان: این است مهدی
خیزد خروش از تشنگان: این است باران
با تیغ آتش می درد آن وارث نور
در انتهای شب گلوی نابکاران
از بیشه زار عطرها تازه آید
چون سرخ گل بر اسب رهوار بهاران
آهنگ میدان تا کند او، باز ماند
در گرد راهش مرکب چابک سواران
آینه آیین حق، ای صبح موعود
ماییم سیمای تو را آینه داران
دیگر قرار بی تو ماندن نیست در دل
کی می شود روشن به رویت چشم یاران؟

و باز او محجوب

دوباره جمعه ی دیگر و باز وقت غروب
و باز وقت نیایش و باز او محجوب
دوباره جمعه ی دیگر و باز تنهایی
و باز اشک و دعا، پس چرا نمی آیی؟
گرفته این دل تنگم، پر است از گریه
و منتظر که بیایی امید هر بنده
دل پر از غم و اندوه و ماتم و درد است
بیا ببین که زمانه چه سرد و نامرد است
بیا که تا به قدومت زمین جوانه زند
درخت میوه دهد، آسمان ترانه زند
تو ای حماسه ی تاریخ، العجل، بشتاب
ببین که چشم پر از گریه ام شده بی آب
علیرضا جاشویی

گزیده ای که خدا برگزیده

می آید

نصرالله مردانی

صدای سم سمند سپیده می آید
یلی که سینه ظلمت دریده می آید
گرفته بیرق تابان عشق را بر دوش
کسی که دوش به دوش سپیده می آید
طلوع برکه خورشید تابناک دل است
ستاره ای که ز آفاق دیده می آید
بهار آمده با کاروان لاله به باغ
به دشت ژاله گل نو دمیده می آید
به سوی قله بی انتهای بیداری
پرند ای که به خون پرکشیده می آید
در آن کران که بود خون عاشقان جوشان
شهید عشق سر از تن بریده می آید
به پاسداری آیین آسمانی ما
گزیده ای که خدا برگزیده می آید

بی تو حتی مهربانی حالتی از

کینه دارد

قیصر امین پور

صبح بی تو ، رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد
بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
بی تو می گویند: تعطیل است کار عشق بازی
عشق اما کی خبر از شنیه و آدینه دارد ؟
جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما
خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد
خواستم از رنجش دوری بگویم ، یادم آمد
عشق با آزار ، خویشاوندی دیرینه دارد
روی آتم نیست تا در آرزو دستی برآرم
ای خوش آن دستی که رنگ آبرو از پینه دارد
در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری
آن کیوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید
آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد